



## مسئولیت مدنی ناشی از فوت منافع ممکن الحصول

\* امیر صادقی زاده \*\* علی مقدم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

### چکیده

در حقوق ایران، اصل بر جبران خسارت می باشد. قوانین حقوقی با توجه منابع فقهی و نظرات فقها، در صورت فوت و یا تلف منافع با توجه به قاعده لاضرر، شخص تلف کننده را مسئول جبران خسارات وارده آمده می دانند. اما در این میان اختلاف نظرانی وجود دارد چرا که با توجه به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست. اما در خصوص عدم النفع و مافع ممکن الحصول باید قائل به تفکیک شد، لذا با توجه به این تفکیک می توان برای فوت منافع ممکن الحصول مسئولیت در نظر گرفت. در نتیجه پژوهش حاضر با این هدف به نگارش در آمده است که به بررسی مسئولیت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول بپردازد. لذا با توجه به روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از ابزار کتابخانه ای و مذاقه در قوانین حقوقی و استناد به نظرات فقها به این نتیجه رسیدیم که دادگاه می تواند با توجه به تلف و از بین رفتن منافع ممکن الحصولی که مقتضی وجود آنها حصول یافته، شخص تلف کننده را مسئول جبران خسارات وارد آمده بداند و میزان زیان خسارت را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال قرارداد تعیین کند. کلید واژه: مسئولیت مدنی، منافع ممکن الحصول، عدم النفع، قاعده لاضرر.

---

\* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.  
(نویسنده مسئول)

\*\* عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه آل طه، تهران، ایران.

#### ۱-مقدمه

منافع ممکن الحصول، منافی هستند که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد؛ یا به سخن دیگر منظور منافی است که امکان حصول آن در آینده محقق است و این امکان به گونه ای است که اگر مانعی حادث نمی شد با توجه به شرایط فعلی و مقدمات موجود، حصول نتیجه و کسب منفعت را در پی داشت. در قوانین حقوقی بحث خاصی در خصوص مسئولیت ناشی از منافع ممکن الحصول به میان نیامده تا جایی که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م نیز مقرر داشته است: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می باشد.» اما این بدان منزله نیست که فوت منافع ممکن الحصول ضمان به دنبال نداشته باشد و شخص تلف کننده فاقد مسئولیت باشد. چرا که طبق آرای قضایی و نظریات قوه قضائیه فوت منافع ممکن الحصول مستوجب مسئولیت می باشد. بر طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۰۸۱ م ۸۰/۱۱/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه: «منافع ممکن الحصول منافی هستند که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد. مانند درختانی که شکوفه دارند و این شکوفه ها مقتضی میوه دادن است و میوه منفعت درخت به شمار می آید چرا که به حکم عادت در آینده ایجاد می شوند و این گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می داند و چنانچه کسی این گونه منافع را تلف کند باید خسارت ناشی از این اقدام را جبران کند و آن را از این جهت منافع ممکن الحصول نامیده اند که قطعی الوصول نیست مثلاً شکوفه های درختان در عرف مقتضی وجود میوه است اما ممکن است که طوفان و سرما آن ضایع کرده باشد، اما منافی هستند که به احتمال در آینده ایجاد می شوند مثل فوت شدن منفعتی که از انجام به موقع یک تعهد می توانست حاصل شود مثلاً خریدار آرد نتوانسته به موقع آن را تحویل بگیرد، شیرینی پخته و آن را بفروشد و حال شیرینی در بازار با نزول قیمت روبه رو شده است و از این جهت سود کمتری عاید خریدار می شود و قسمتی از این سود احتمالی از دست وی رفته است که این را عدم النفع می گویند یعنی مقتضی چنین منفعتی در عین وجود ندارد دشواری و دعوی عدم النفع در

مشکل اثبات مسلم بودن منافع در صورت وفای به عهد است و نمی توان سیر متعارف امور را معیار احراز آن قرار داد قانون نیز عدم النفع را نمی پذیرد. چرا که در دید عرف مسلم نیست پس موضوع منافع ممکن الحصول و خسارت ناشی از عم النفع یکی نیستند و منافع ممکن الحصول حسب بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قابل مطالبه هستند. حقوقدانان نیز مال تلف شده را مستوجب مسئولیت می دانند به طوری که اگر مالی توسط شخصی تلف گردید، دامنه الزام گیرنده تنها به تسلیم عین مال و پرداخت معادل آن محدود نمی شود؛ او ضامن منافع تلف شده عین نیز، تا زمانی که وجود دارد، هست و معیار ضمان او محروم ماندن مالک و رفع ضرر است نه استیفای از منافع. اگر گیرنده مالی که از راه ایفاء ناروا به دست آمده است، آن را عاطل گذارد، در برابر پرداخت کننده ضامن منافع فوت شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۴۳). در بیان همین الزام گسترده است که ماده ۳۰۳ ق.م. اعلام می کند: «کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل». از قسمت اخیر ماده، چنین اطلاق می شود که ضمان گیرنده، مطلق است و حتی قوه قاهره و یا حسن نیت گیرنده نیز، مسئولیت وی را زایل نمی کند. (بیات، ۱۳۹۴: ۱۷۲) اطلاق ماده ۳۰۳ ق.م شامل ضمان هر دو نوع منافع (مستوفات و غیر مستوفات) می شود و هیچ فرقی میان متصرف عالم و جاهد نیست. ظاهر معیار ضمان در الزام به دادن بدل منافع، «محروم ماندن مالک و رفع ضرر» است، نه استیفاء فرد از منافع (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۷۵). در فقه نیز اغلب فقها در خصوص تلف و فوت منافع ممکن الحصول قائل به ضمان گردیده اند. (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۵۹). لذا می توان اذعان داشت که در صورت تلف منافی که مقتضای وجود آنها حتمی می باشد، شخص تلف کننده ضامن می باشد که در این مقاله به بررسی مسئولیت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول پرداخته و به بررسی جوانب و زوایای مختلف آن خواهیم پرداخت.

## ۲- جایگاه منافع ممکن الحصول در قوانین حقوقی و فقهی

### ۲-۱- جایگاه منافع ممکن الحصول در قوانین حقوقی

از آنجا که منافع ممکن الحصول ممکن است در آینده تحقق پیدا کند، در نتیجه هر نفعی که احتمال دارد در آینده عاید شخص گردد، قابل مطالبه نیست؛ بلکه امکان حصول و دست یابی به آن منافع وجود دارد و در واقع محتمل الحصول نیست. این منافع همانند دو کفه سی مساوی ترازو می باشد به این صورت که به همان نسبت امکان تحقق دارند، به همان نسبت نیز امکان عدم تحقق را دارند. بنابراین بسته به این شرایط، زمانی که صحبت از تفویت منافع ممکن الحصول پیش می آید کفه ی عدم ایجاد نفع بر کفه ی تحقق و ایجاد منفعت سنگینی می کند که این امر با توجه به سیر عادی و متعارف امور حدس زده می شود. زمانی که سیر عادی و متعارف وجود منفعتی را محقق تلقی کند، آن نفع از دیدگاه حقوقی مسلم و محقق فرض می شود. منافع ممکن الحصول بر خلاف منافی که فی الحال موجود هستند، صرفاً جنبه ی انتظاری دارند و زمانی که فعل زیانبار به وقوع می پیوندد موجود نبوده در حالی که منافی که به تبع عین مال فی الحال موجود است به علت این که همانند عین، مال محسوب می شود بدین جهت مثل دیگر اموال در ضامن شناختن عامل فوت آن تردیدی وجود ندارد.

در مورد عدم النفع یا منافع ممکن الحصول، بایستی قائل به تفکیک شد، یعنی بعضی موارد مشمول منافع ممکن الحصول است و بعضی در شمول عدم النفع، به این معنی که اشخاصی بعضاً ممکن نیست بیکار باشند مثل خیاطی که هرگاه مانعی بروز نکند، هیچ گاه بیکار نمی گردد و می تواند از تمام ایام خود با اشتغال به کار، کسب درآمد کند. یا پزشک و جراح معروفی که هیچ گاه احتمال بیکار شدن او قابل تصور نیست. بنابراین در این مورد که اشخاص به علت واقعه مجرمانه و بروز صدمات بدنی، قادر به ادامه کار خود، مثل زمانی که سالم بوده اند نمی باشند، بایستی قائل شد که این موارد در شمول ممکن الحصول قرار می گیرند و بابت ایما بیکاری می توانند طرح

دعوی نمایند. در صورتی که در مورد اشخاص بیکار ولی جویای کار که ممکن است، حتی در صورت عدم تحقق واقعه مجرمانه هم موفق به پیدا کردن کار و کسب درآمد نشوند، بایستی به عدم النفع قائل شد که در این موارد مطالبه خسارت متفی خواهد بود. (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۲۴۳ م ۱۳۷۹/۱۲/۲۱، اداره حقوقی قوه قضائیه)

نکته قابل ذکر دیگر این است که منافع ممکن الحصول بر خلاف منافع تفویت شده، در زمره ی ضررهای آینده محسوب می شود که در صورت جمع سایر ارکان مسئولیت مدنی حکم به جبران آن صادر می شود. علت اینکه می گوییم منافع ممکن الحصول در زمره ی منافع آینده محسوب می شود، این می باشد که ممکن است ضرر ناشی از فعل زیانبار به لحاظ ظرف زمانی هنوز محقق نشده باشد بلکه در آینده واقع می شود ولی عرف هیچ شک و شبهه ای نسبت به ایجاد آن در نتیجه وقوع فعل زیانبار نداشته باشد. به عبارتی عرفاً وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است. بنابراین شخص از نفعی که قرار است در آینده به دست آورد، محروم می گردد. البته این منافع عادت قابل انتظار هستند (شهیدی، ۱۳۹۵: ۷۳).

تصور نمایم شخصی اقدام به قطع درختان باربر باغی می نماید که هنوز زمان چیدن میوه آن ها نشده و یا در نتیجه ی آب ندادن یا بستن آب بر روی آن باغ میوه هایش خشک می شود و از این جهت خسارتی متوجه صاحب آن می گردد. همان طور که ملاحظه می شود صلاحیت درختان به میوه های آن است که منافع درخت محسوب می شود و عدم میوه دادن آن به منزله ی تفویت منافع آن و از آنجایی که این میوه ها هنوز نرسیده اما امکان رسیدنشان فراهم بوده است و این خود به نوعی ضرر محسوب می شود که به فعلیت نرسیده است اما عرف وجود بالقوه آنها را بالفعل می داند؛ در واقع با گذشت زمان حاصل می گردند. عرف این گونه منافع را در حکم موجود می داند و حقوق هم که دنیای اعتبارات است به تبعیت از عرف وجود آنها را اعتبار کرده است (قوت بخشیده و به تبع همین وجود اعتباری، احکام منافع موجود من جمله جبران خسارت ناشی از تلف را نسبت به این دسته از منافع جاری کرده است به عبارتی از

۳۳۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

بین رفتن آنها در اثر فعل زیانبار (مسئولیت قهری) و یا عدم انجام تعهد مسئولیت قراردادی) در حکم تلف و قابل جبران است.

همانطور که می‌دانیم این دسته از منافع به علت این که عرف موجود می‌باشند، مشمول ضابطه منفعت تفویض شده قرار گرفته و بر مبنای قانون مسئولیت مدنی قابل جبران هستند. البته موکول شدن تشخیص این منافع به عرف کار ساده‌ای نیست؛ چرا که عرف برای اینکه تشخیص دهد منافی که تفویض شده قابلیت جبران را دارد، شرایطی را باید در نظر بگیرد و در ابتدا احراز نماید که آیا مقتضای این منافع حاصل شده است و در صورتی که مقتضای آنها تمام و کامل شده باشد یعنی قرینه‌ای بر امکان حصول آن در آینده فراهم می‌باشد، ض‌رر به شمار می‌رود. ثانیاً با گذشت زمان و سیر عادی امور و عدم وقوع فعل زیانبار، منافع مورد نظر به وجود می‌آیند. در این مواقع با جمع شدن شروط که در مباحث بعدی توضیح خواهیم داد، عرف این وضعیت را برای موجود دانستن منافع ممکن الحصول کافی می‌داند و وجود آنها را اعتبار می‌کند. اما اگر برخی از عوامل مانع از موجود شدن منافع گردند و موانعی بر سر راه منفعتی که مقتضای آنها موجود است وجود داشته باشد، عرف آنها را در حکم موجود نمی‌داند و قانون هم چنین نفعی را اعتبار نمی‌کند و جزء منافع غیر قابل جبران محسوب می‌شود (عیسایی تفرشی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

در قوانین کیفری نیز در خصوص ضمانت اجرای ناشی از تلف منافع ممکن الحصول، قانونگذار موادی به تصویب رسانده است. تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در بند ۲ ماده ۹ این قانون خسارت ناشی از عدم النفع را پیش‌بینی نموده بود. اما عبارت منافع ممکن الحصول در ماده فوق، تا حدودی ابهام داشت و تفاسیر مختلف از آن در عمل اشکالاتی را بوجود می‌آورد. زیرا اگر اصطلاح ممکن الحصول را در مقابل ممتنع الحصول قرار دهیم دامنه این نوع ضرر و زیان به نحو غیر معقولی گسترش می‌یابد و شامل مواردی هم می‌شود که هیچ فقیه یا حقوقدانی قائل به جبران آن نیستو اگر

مسئولیت مدنی ناشی از فوت منافع ممکن الحصول..... ۳۳۵

اصطلاح ممکن الحصول را در مقابل اصطلاح محقق الحصول قرار دهیم، توجیه فقهی ندارد (حیاتی، ۱۳۹۲: ۷۴۸).

اما ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که جایگزین ماده ۹ قبلی گردیده است، این امکان را فراهم کرده که منافع ممکن الحصول قابل مطالبه باشد و با اشاره به منافع ممکن الحصولی که مدعی خصوصی بواسطه وقوع جرم در آن محروم شده آن را در ردیف ضرر و زیان قابل مطالبه آورده است (مقدم، ۱۳۹۴: ۵۹).

مطابق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه نماید و تبصره ۱ این ماده، زیان معنوی را تعریف نموده است. برای تقویم خسارت مالی زیان معنوی، دادگاه می تواند با اخذ نظر کارشناس به نحوی که در تبصره ماده فوق آمده است اقدام نماید. (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۰۴۸ م ۹۳/۵/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه)

در صورتی که فوت منافع ممکن الحصول بر اثر ارتکاب جرم بوده و رابطه علیت بین جرم ارتكابی و نفعی منافع برقرار باشد در این صورت بر طبق بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مطالبه آن فاقد منع قانونی است. بنابراین اگر شخصی، به علت توقیف غیر قانونی از درآمد روزانه خود محروم گردد، مورد از مصادیق منافع ممکن الحصول بوده و قابل مطالبه خواهد بود. (نظریه مشورتی شماره ۷/۷۹۰۴ م ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه).

نکته قابل ذکر دیگر این است که با توجه به نظریه مشورتی ۷/۷۶۴۵ م ۱۳۷۹/۸/۸ اداره حقوقی قوه قضائیه: «بند ۹ ماده ۸ ق.آ.د.ک منافع ممکن الحصول را قابل مطالبه می داند که بر اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر شده است در حالی که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م خسارت ناشی از عدم النفع را که بر اثر تأخیر در انجام تعهد یا عدم انجام متعهد ممکن است وارد شود قابل مطالبه نمی داند. این دو موضوع با هم فرق دارد و هرکدام در جای خود قابل اعمال بوده و ناسخ و منسوخ همدیگر نیستند.»

۳۳۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بر لزوم جبران تمام ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول زیان دیده از جرم تأکید شده است. پذیرش لزوم جبران ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم در راستای حمایت از بزه دیده امری پسندیده و مطلوب است.

به نظر برخی از حقوق دانان، محرو شدن شخصی از منفعی که عادتاً انتظار آن را دارد منافع فائنه نامیده می شود این گونه منافع به هنگام وقوع فعل زیانبار اعم از ارتکاب جرم یا فعل نامشروع وجود ندارد و تحقق آن موکول به آینده است (آشوری، ۱۳۸۸: ۲۰۸).

پس فوت منافع ممکن الحصول عبارتست از: «منفعی است که منشاء قانونی آن در هنگام وقوع جرم وجود داشته باشد یعنی دارای شرایط تحقق باشد یا به عبارت دیگر طبق روند عادی امور و عرف و عادت مسلم اینگونه منافع در آینده به وقوع می پیوسته است». البته باید دانست منظور از معلوم بودن حصول منافع معلومیت آن به علم عادی است، یعنی اگر موانعی پیش نمی آمد لازمه مقدمات موجود مستلزم حصول نتیجه است. نه علم قطعی و یقینی و غیر قابل تخلف پس قاضی در هر مورد بایستی با ملاحظه حال و وضع مالی و کسب استعداد و معلومات و بالاخره آمادگی مدعی خصوصی و منشاء منافع میزان ضرر و زیان وارده از این حیث را شخص یا به وسیله کارشناسی معلوم کند. فوت منافع ممکن الحصول ممکن است یا ناشی از عدم افزایش دارای مثبت باشد مانند عدم تحصیل درآمد توسط راننده یک کامیون بوقتی که شخص ثالثی از حرکت درآوردن این کامیون جلوگیری کند یا ممکن است از طریق عدم کاهش دارایی منفی باشد. مثلاً شما برای کار خود به اتومبیلتان نیازمندید و مجبورید برای ادامه دادن کار خود یک اتومبیلی را اجاره کنید زیرا اتومبیلتان را که تعمیرگاه می بایست به شما تحویل بدهد در اثر تقصیر شخص ثالث آسیب دیده و تعمیرش طول کشیده است.



ماده ۲۴ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ نیز در فرض به تعویق افتادن کارشناسی جبران تضییع وقت کارشناس را به عهده طرف متخلف قرار می دهد در واقع به نحوی بیانگر مسئولیت مدنی ناشی از محروم نمودن فرد از منافع ناشی از کار می باشد (شیروی، ۱۳۸۰: ۲۷).

#### ۲-۱-۱- قطعی بودن ضرر ناشی از فوت منافع ممکن الحصول

اگر ضرر و زیان وارده به علت فوت منافع ممکن الحصول و اتلاف منافع در میان باشد در این خصوص زمانی می توان طرح دعوی نمود که خسارت وارده مسلم الوقوع باشد؛ زیرا به صرف این که احتمال ورود زیان می رود نمی توان کسی را به جبران خسارت محکوم کرد که اثبات این امر در اتلاف منافع با مشکل چندانی مواجه نمی باشند اما در عدم النفع شخصی که ادعا دارد به او خسارت وارد شده باید ورود ضرر به خویش را اثبات نماید. اثبات ورود خسارت و میزان آن را قاضی با رجوع به عرف تعیین می نماید به هر حال شرایط این ضرر آن است که: «احتراز ناپذیر بوده و تحقق یافتن آن در آینده حتمی و یا دست کم به قدر کفایت باشد و از لحاظ حقوقی مسلم باشد» (درودیان، ۱۳۸۵: ۶۶).

برخی از حقوقدانان مشکل عمده را در این خصوص در تشخیص این منافع و تعیین حدود آن می دانند (فقیه تخجیری، ۱۳۷۴: ۱۳۱). دامنه اعمال این قاعده نباید نامحدود بوده و شامل هر گونه منفعت فوت شده گردد بلکه باید محدود به منفعی شود که در زمان وقوع جرم منشاء قانونی آن وجود داشته باشد. هر چند ایشان منفعت فوت شده ناشی از وقوع جرم را مدنظر داشته اما با اندک دقتی می بینیم که این تعریف بر هر گونه منفعت فوت شده ممکن الحصول ناشی از فعل زیانبار اعم از این که فعل جرم باشد یا نه، تسری دارد. حقوقدانان دیگری در تعریفی که ارائه می دهد منافع ممکن الحصول را منفعی می داند که عادتاً انتظار آن در آینده وجود دارد (حائری شاه باغ، ۱۳۲۴: ۵). اگر خسارتی که در آینده و به طور احتمالی وارد می شود به نظر دادرس ادامه و نتیجه مسلم و مستقیم وضع فعلی زیان دیده باشد باید آن را حکم غارت

۳۳۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

مستقیم، کنونی و ملم به شمار آورد ضرر و زیانی که در دید عرف در آینده قابل پیش بینی می باشد در شمار خارات کنونی است و آن را نباید با کارتی که امکان ورود آن می رود مخلوط نمود. درباره خسارات وارده در گذشته تردید نیست و می توان تا حدودی به یقین رسید.

#### ۲-۱-۲- امکان تحقق منافع در آینده

منفعت فائده ممکن الحصول که مورد ادعای شخص متضرر است باید در آینده محقق شود نه حال، به لحاظ این که اگر منفعت موجود باشد و مورد اتلاف واقع شود بحث اتلاف منفعت مطرح است لیکن منفعتی که در آینده قابل تحقق است موضوع منافع ممکن الحصول می باشد. مثلاً اتلاف گندم های کشتزار که آماده درو می باشد اتلاف منفعت است ولی آتش زدن مزرعه گندم و سوزاندن گندم زاری که فعلاً به باز نشسته و در آینده نزدیک به ثمر می رسد اتلاف منافع ممکن الحصول است زیرا قرار است در آینده منفعتی حاصل شود که زمان وقوع فعل زیانبار قانونی و مقدماتش فراهم شده است و حصول آن در آینده نزدیک قابل پیش بینی و تصور می باشد(خاتمی، ۱۳۷۸: ۱۷۸).

#### ۲-۱-۳- قابلیت مطالبه ضرر و زیان بر طبق شرع

اشخاص در صورتی می توانند خسارت منافع فائده ممکن الحصول و تلف منفعت را بخواهند که به حق مشروع آنها لطمه وارد شده باشد یعنی چنانچه فردی خلافی مرتکب شده و توسط یکی از همسایه ها به پلیس معرفی و متعاقب آن محکوم و محبوس می شود نمی تواند منافع فوت شده اش در ایام توقیف را از همسایه مطالبه نماید، زیرا به حق مشروع او تجاوز نشده و این شخص به مجازات فعل ناشایست خویش رسیده و هیچکس جز خود او مقصر نیست(کاظمی، ۱۳۸۰: ۸۶).

#### ۲-۲- جایگاه منافع ممکن الحصول در نظر فقها

برخی از فقهای شیعه من جمله مرحوم نائینی(نائینی، ۱۴۱۳: ۱۹۸) در کتاب منیه الطالب و صاحب ریاض(طباطبایی، ۱۴۰۴: ۱۸۶) بر این عقیده هستند که وقتی موجبات

و مقتضیات ضرر به طور کامل فراهم باشد منفعت ممکن الحصول تقویت گردیده و بر اساس قاعده «لاضرر»، ضرر ناشی از تقویت این منافع باید جبران شود.

به عقیده مرحوم نائینی منافع، چه اموال باشد، یا منافع انشان باشد، ایشان همانطور که گفته شد، این منافع را بر اساس قاعده لاضرر قابل جبران می دانند و در ادامه می فرماید: «پس اگر مال یا عضوی از اعضاء انسانی صدمه بخورد یا ناقص شود یا شخصی بمیرد یا به آبرو او لطمه وارد آید، خواه این لطمه و آسیب با اراده کسی وارد آمده باشد یا بدون اراده در همه این موارد ضرر وجود دارد بلکه بر حسب عرف از دست رفتن منافع ممکن الحصول در صورتی که موجبات و مقدمات آن کامل شده باشد ضرر محسوب می شود» (نائینی، ۱۴۱۳: ۱۹۸)، این عارف بلند مقام نظر بر ضرری، بودن منافع ممکن الحصول از دست رفته دارد ولی با این شرط که دارای شرایط تحقق و وجودی باشد و طبق روند عادی امور در آینده نه چندان دور این نفع بوجود آید.

به نظر برخی دیگر از فقها، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۱). منافع از فوت شده ممکن الحصول را چه از قبل انسان و چه از قبل اموال را قابل جبران می دانند و دلیل و استناد ایشان بر قاعده لاضرر است. لازم به ذکر است که ما از قاعده الاضرار بعنوان یکی از قواعدی که بوسیله آن منافع از دست رفته ناشی از جرم را قابل جبران میدانیم، ایشان در این باره می فرمایند: «شکالی در شمول قاعده بر احکام وجودی نیست اما بحث در شمولش در عدمیان است حاصل کلام این است آیا تمسک به قاعده لاضرر برای اثبات امور عدمی در مواردی که از فقدان ضرر لازم آید بطوریکه عدم حکم مشتمل بر ضرر باشد جایز است برای مثال آنچه را که به خاطر عمل بازداشت کننده از کار محبوس، فوت می شود در این مثال محرومیت از کار امری ضرری است و از طرف دیگر این قاعده در هر دو مذهب شیعه و سنی مورد قبول قرار گرفته است و علاوه بر آن از حدیث لا ضرر معلوم می شود که همانا ضرری از ناحیه شارع نسبت به بعضی یا از ناحیه مکلفین بعضی نسبت به بعضی، نمی باشد پس ضرر مستند به شارع و مکلفین رد می شود (همان، ۷۱).

۳۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

به نظر برخی دیگر از فقها اگر کسی مال دیگری را غصب می‌کند بایستی علاوه بر منافع مستوفات، منافع غیر مستوفات آن را هم به مالباخته بدهد و در این مورد نزاعی را نمی‌بینند (حسینی عاملی، بی تا: ۲۲۴).

اما در مورد فوت منافع ممکن الحصول می‌فرماید: «اگر کسی دیگری را بازداشت کند، اگر بازداشت شده اجیر دیگری باشد و قرارداد اجاره ای با او بوسیله مجرم و یا شخص دیگری بسته شده باشد؛ در اینجا شکی نیست که منافع فوت شده باید جبران شود و در این نظر نزاعی نمی‌بیند زیرا عقدی بوقوع پیوسته و آن علت اصلی قابل جبران بودن نافع غیر مستوفات انسان است (همان، ۲۲۴).

و سپس آنرا با نفقه زوجه قیاس میکند و می‌فرماید: «پس برای اجیر عوض است مانند نفقه زوجه و مراد اینست، که نفقه واجب است اگر زوجه تمکین کند، در نتیجه اگر تمکین کند ولی زوج از او تمتع نبرد باز بایستی زوج نفقه و مهریه زوجه اش را بدهد. و آنگاه در مورد سایر منافع انسان یعنی اگر عقد اجاره ای با انسان بسته نشده باشد و شخص دیگری او را بازداشت غیر قانونی کند) می‌فرماید: «اگر چه غصب در اینجا تحقق پیدا نکرده است ولی ضرر علیه محبوس مستقر می‌باشد زیرا جبران منافع از دست رفته باعث دفع مفاسد و ضرر عظیم می‌شود بخاطر اینکه این بازداشت ممکن است سبب فوت عیالش از گرسنگی شود و تازه عمل حابس باعث ظلم عظیمی است و آیه و جواز تعدی بماء اعتدی و جواز سینه بسینه و آیه مربوط به قصاص و نحو ذلک بر آن دلالت دارد (همان، ۲۲۵).

یکی از فقها در رابطه با منافع ممکن الحصول معتقد است که: امور و چیزهای متعلق به مکلف آنچه مال او به حساب می‌آید اعم از مال یا منافع و همین طور آنچه حق اوست از قبیل حق انتفاع یا حق فسخ یا حق التزام و مطالبه و یا حق الویت و مانند آن و آنچه در عرض و تقدیر است کلاً خواه تمام آنها به صورت بالفعل موجود باشند یا بالقوه به این معنی که اگر مانعی پیش نیاید شأن و مقتضای آنها پیدایش است، آیا در ارتباط با آنها معنی ضرر تحقق پیدا می‌کند یا خیر؟ و پاسخ می‌دهد که ما می‌گوییم

در آنچه مال است بلاشک ضرر صدق می کند و درباره حدوث نقص مالی که به تشخیص عرف برای صاحب مال ضرر محسوب است و شخصی که موجب حدوث ضرر شده سبب آن است و عملش اضرار است (میرفتاح، ۱۴۱۷: ۳۰۸). اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه منافی است که به صورت ممکن الحصول باشد را ضرر می دانند و چون در فقه امامیه منافع و سود مال محسوب می شود و اینکه کدام یک از منافع از دست رفته ضرر هست و کدام ضرر نیست، از آنجایی که این امر موضوعی است و با توجه به اوضاع و احوال و عرف بایستی بفهمیم که چه چیزی ضرر است و چه چیزی ضرر نیست و آنچه که مهم است، این است که این بحث فقهاتی نیست که فقیه اجتهاد کند بلکه این یک امر عرفی است.

### ۳- شیوه های جبران خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول

خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد از حیث منشأ دارای دو تقسیم است یکی از جهت منشاء مادی که از این جهت به خسارت تلف مال و خسارت محروم ماندن از منافع اجرای قرارداد تقسیم می شود. ممکن است در اثر خودداری متعهد از اجرای تعهد، مالی از اموال متعهدله، به علت تأخیر متصدی تأسیسات در نصب دستگاه گرمازا که مورد تعهد بوده است، مجبور شود مبالغی بیش از هزینه کارگران تأسیسات مزبور، برای تأمین حرارت لازم ساختمان محل نصب دستگاه، صرف کند. این مبالغی اضافی که در حقیقت از دارائی متعهدله خارج شده است خسارت تلف مال محسوب می شود که در صورت اجرای به موقع تعهد قراردادی، به متعهدله تحمیل نمی شد. همچنین مانند اینکه متصدی رستوران که در قراردادی متعهد شده است غذای میهمانان متعهدله را که مقرر بوده است در روز معینی فراهم و تسلیم نماید که این مبالغ بر قیمت غذا در حقیقت خسارتی است که منشاء آن از دست رفتن مقداری از اموال متعهدله است که در صورت اجراء قرارداد، خسارت مزبور به متعهدله وارد نمی شد. همچنین ممکن است منشأ خسارت مزبور، محروم ماندن متعهدله از منافی باشد که در صورت

۳۴۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

اجراء تعهد قراردادی عاید او می شده است. این گونه خسارت در اصطلاح، خسارت محروم ماندن از منافع یا به تعبیر هر چند نه کاملاً دقیق، خسارت عدم النفع، نامیده شده است. اصطلاح خسارت عدم النفع، بر معنایی که از آن اراده می شود کاملاً منطبق نیست، اما به کارگیری آن در عرف قراردادی آنچنان رواج دارد که در شناخت معنای مذکور برای آن تقریباً تردید نمی شود. مطابق ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، که پیش از وضع قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۹، اجراء شد، متعهد ملزم بود خسارت ناشی از فوت شدن منفعتی را که از انجام تعهد حاصل می شود جبران کند (شهیدی، ۱۳۹۵: ۶۹). اما طبق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، همانطور که قبلاً بیان گردید، خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست.

به نظر برخی از حقوقدانان (همان، ۷۳) مطابق ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی خساراتی که در آینده به متعهد له وارد خواهد شد نیز در صورت تخلف از انجام تعهد از متعهد قابل مطالبه است. به این جهت خسارت از حیث ارتباط با زمان پیدایش به خسارت حال و آینده تقسیم می گردد. روشن است که برای امکان مطالبه خسارت آینده، لازم است خسارت مسلم و قطعی باشد و خسارت احتمالی قابل مطالبه نیست. خسارت آینده در نوع تلف مال مثل این است که متعهد طبق قرارداد موظف بر حفر چاه آب و تجهیز وسایل استخراج آن تا اول تابستان به منظور آبیاری محصول کاشته شده متعهد له بوده که تا اول تابستان از حفر چاه خودداری کرده و در این وضعیت مسلم باشد که حتی اگر از اول تابستان، عملیات حفر چاه را آغاز کند، آب حاصل به کشت زمین نخواهد رسید و محصول در اثر بی آبی خشک و تلف خواهد شد که در این صورت متعهد له می تواند خسارت ناشی از تلف شدن محصول را که قطعاً در آینده وارد خواهد شد از متعهد درخواست کند. در قانون مدنی موارد استحقاق خسارت موردنظر ضمن مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰ تعیین گردیده است. و ماده ۵۳۶ قانون مدنی راجع به مسئولیت عامل نسبت به کاهش محصول و یا ضرر دیگری متوجه مزارع بر اثر عدم

مواظبت عامل در زراعت ایجاد شود ضامن است. برخی دیگر چنین بیان می‌دارند: «منظور ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ از فوت شدن منفعت، منفعت محقق می‌باشد و آن عبارت از منفعتی است که در صورت انجام تعهد محققاً به متعهدله عاید می‌شده و در اثر عدم انجام و یا تأخیر، از آن محروم شده است.» (امامی، ۱۳۹۴: ۲۴۴). شرایط دعوی مطالبه خسارت حاصل از عدم انجام تعهد عبارت است از:

- ۱- موضوع تعهد وجه نقد نباشد زیرا در این صورت خسارت تأخیر تأدیه مطالبه می‌گردد نه خسارت عدم انجام تعهد؛
- ۲- عدم انجام تعهد یا عدم تسلیم خواسته: خواهان دعوی بایستی ثابت کند که خواننده تعهدی داشته که انجام نداده و یا می‌بایست خواسته را تحویل بدهد و تحویل نداده است و این متعهد است که می‌تواند در مقام دفاع برآید و ثابت کند عدم انجام تعهد ناشی از حادثه خارجی و قهری بوده است؛
- ۳- ورود ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به باشد. یعنی خواهان باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر ناشی از اقدام برخلاف تعهد خواننده می‌باشد در حالی که در انواع دیگر خسارت نیازی به اثبات ورود ضرر نداشت (مدنی، ۱۳۹۰: ۲۸۳).

### ۳-۱- استرداد عین مال در تلف منفعت

به موجب ماده ۳۱۱ قانون مدنی: غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید...» بر خلاف ظاهر ماده، غاصب در انتخاب مثل یا قیمت آزاد نیست، از مفاد ۳۱۲ و ۳۲۹ ق.م.چنین استنباط می‌شود که در مورد مال مثلی، مسئول تلف، عهده دار رد مثل است و مالک نیز حق مطالبه قیمت آن را ندارد. البته به اعتقاد برخی از حقوقدانان، دادگاه می‌تواند با استفاده از اختیار ماده ۳ ق.م. حکم به قیمت کند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۵۹). هرگاه مال قیمی در محل، غصب شود و غاصب آن را به محل دیگر ببرد و تلف

۳۴۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

کند، بهای محل غصب مناط اعتبار است، زیرا غاصب باید عین را در محل غصب بدهد، مگر اینکه قیمت محل تلف بیشتر باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۶۶).

تا زمانی که عین مال در دسترس است نه شخص غاصب می‌تواند مال دیگری به جای آن به مالک بدهد و نه مالک این حق را دارد که غاصب را ملزم به پرداختن بهای مال یا تسلیم مال دیگری بنماید مگر این که رد عین؛ تلف آن را به دنبال داشته باشد همچنین اگر قیمت نزول کرده باشد مالک نمی‌تواند به جز عین مال را مطالبه نماید اما در مورد محروم ماندن از منافع، شخص الف مبادرت به غصب یک دستگاه ماشین تایپ متعلق به شخص ب می‌نماید و از استرداد آن به مالک طی مدت سه ماه ممانعت به عمل می‌آورد، این در حالی است که شخص ب بوسیله این دستگاه به کار تایپ اشتغال دارد و با یک شرکت قرارداد منعقد نموده که امور ماشین نویسی آن را به مدت سه ماه انجام دهد و مبلغ پانصد هزار تومان به عنوان دستمزد دریافت نماید و در مدت اخیر شخص ب از دسترسی به مال خویش محروم شده و منفعت ممکن الحصولی را که در این مدت می‌توانست کسب نماید از دست داده است، در اینجا شخص غاصب به استرداد عین مال مغضوبه محکوم است و مالک نمی‌تواند به جای عین؛ مثل آن را بخواهد مگر در صورت تلف عین، اما در صورتی که عین مال مغضوبه موجود است اما معیوب یا ناقص شده و نیاز به تعمیر دارد آیا برای تعیین منفعت فوت شده ممکن الحصول باید مدت تعمیر را به حساب آورد؟ یا مدتی را که بر حسب عرف و به طور معمول برای تعمیر ماشین تایپ ضروری است؟ تفاوت در موردی بیشتر آشکار است که در اثر خطا یا عدم مهارت تعمیر کار یا با حادثه ناگهانی و خارجی، تعمیر به تأخیر می‌افتد یا بیشتر به درازا می‌کشد، آیا مسئول حادثه باید آن را تحمل کند یا منفعتی است که از جیب متضرر می‌رود؟ بعضی نظام‌های حقوقی مدت متعارف تعمیر را معیار ارزیابی خسارت قرار می‌دهند، اما در بعضی دیگر مسئول را ملزم به جبران منافع مدت واقعی تعمیر می‌نمایند مگر این که سبب تأخیر، تقصیر شخص متضرر باشد (یاورآبادی، ۱۳۷۲: ۹۷). اما نظر گروه اخیر عادلانه تر می‌باشد. زیرا مسئول حادثه



در ایجاد آن نقش دارد در حالی که متضرر در این زمینه سهیم نمی باشد، اما گاهی مالک از گرفتن عین مال ناقص یا معیب خودداری می کند و به جای آن قیمت یا مثل مال را به صورتی که از بین رفته است می خواهد آیا این امر امکان پذیر است؟ در پاسخ باید گفت اگر بتوان چنین مالی را به صورت اول در آورد مالک می تواند الزام کسی را که باعث نقص مالش شده بخواند ماده ۳۲۹ ق.م در این زمینه بیان می دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت بر آید» حکم این ماده را می توان به موارد دیگری نیز تسری داد ولی اگر طبیعت مال یا نقص وارده به گونه ای است که قابلیت تعمیر و ترمیم ندارد عامل ورود ضرر باید مابه التفاوت قیمت مال سالم و معیب را به عنوان ضرر و زیان به متضرر بدهد، یعنی در این حالت مسئول باید مخلوطی از دو شیوه جبران خسارت را به کار برد، هم عین مال ناقص را به زیان دیده مسترد نماید و هم تفاوت قیمت را به عنوان ضرر وارده بپردازد. برخی از حقوقدانان نیز اذعان دارند که اجرای حکم ماده ۳۱۰ فوق مختص به بنا و خانه نیست و در تمامی مواردی که شخص به سبب مباشرت یا تسبیب مسئول اتلاف یا نقص مالی قرار می گیرد (اعم از منقول یا غیر منقول) مجری خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۲۵).

ماده ۳۳۰ ق.م در این زمینه اشعار می دارد: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد، باید تمام قیمت آن را بدهد». در صورت فوت ضرر زنده، خسارت از ماترک او جبران می شود ولی در صورت انتقال شیء زیان زنده، قائم مقام خاص شخص زیان زنده، الزامی به جبران خسارت ندارد (بیات، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

اجرای حکم ماده مذکور با مشکلاتی برای زیان دیده همراه است، زیرا متضرر برای اعاده وضع خویش به حالت سابق، باید ابتدا مال ناقص را بفروشد (پیدا است که فروش مال معیب با چه مشقتی امکان پذیر می گردد) و ثمن مأخوذه را با افزودن به تفاوت قیمتی که از مسئول گرفته جهت خرید مثل مال خود به کار برد و شاید به همین دلیل

۳۴۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

باشد که گاهی در مورد اموال مثلی به متضرر اجازه داده می‌شود که از پذیرفتن مال ناقص خودداری نماید و مثل آن را بخواهد. به عنوان مثال هر گاه یک دستگاه فکس چنان آسیب ببیند که امکان برگرداندن آن به حالت اول نباشد متضرر می‌تواند یک دستگاه دیگری از مسئول مطالبه نماید و دادگاه می‌تواند با استفاده از اختیار مقرر در ماده ۳ ق.م.م، چنین مالی را در حکم تلف شده قرار دهد در اینجا ذکر این نکته ضرورت دارد که اگر در نتیجه مال معیوب بهای آن کاسته شود مانند این که قیمت دستگاه فکس آسیب دیده در اثر تعمیر کاهش یابد بی‌گمان کاهش ارزش آن را باید به هزینه تعمیر بیفزاییم اما در موردی که تعمیر مال یا دادن مثل، نفعی به زیان دیده می‌رساند و مال را در شرایط بهتری قرار می‌دهد، کاهش خسارت به معنی ایجاد الزام متضرر به پرداخت تفاوت قیمت مال فرسوده و تعمیر شده است و با اطلاق الزام مسئول به تعمیر و دادن مثل مخالف است (فرهادیان، ۱۳۷۹: ۷۲).

### ۳-۲- جبران خسارت از راه دادن بدل در تلف منفعت

هدف جبران خسارت برگرداندن وضع زیان دیده به حالت قبل از ورود ضرر است بنابراین علاوه بر از بین بردن منبع ضرر تا جایی که امکان دارد باید زیان‌های گذشته نیز جبران شود (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

مطابق ماده ۹۵۰ ق.م. «مثلی عبارت از مالی است که اشتباه و نظایر آن نوع زیاد و شایع باشند مانند حبوبات و نحو آن و قیمتی مقابل آن است. مع ذلک تشخیص این معنی با عرف است». وجه تسمیه مال مثلی این است که در صورت تلف مال، متعهد باید مثل آن را تسلیم کند و در مقابل، اصطلاح قیمی، بدین خاطر است که در صورت تلف مال، متعهد باید قیمت آن را بپردازد. برای تعیین مثلی یا قیمی بودن مال، در الزامات خارج از قرارداد، باید به ماهیت عرفی اشیاء توجه کرد. (قسمت اخیر ماده ۹۵۰) ولی در روابط قراردادی باید قصد مشترک طرفین را نیز مد نظر قرار داد.

هرگاه مال تلف شده مثلی باشد طبیعتاً جبران خسارت از طریق دادن مثل امکان پذیر است و این امری است که مورد تأیید شرع و رویه قضایی که خود بر گرفته از

شرع انور است می باشد با وجود این اگر چه تأکید بر دادن مثل ناظر به اندازه و میزان تعدی می باشد نه چگونگی مال ولی در بیشتر مواقع با دادن مثل، خسارت عرفاً جبران می شود ولی اگر مثل مال ارزش نداشته باشد با دادن مثل مال، خسارت جبران نشده و همچنان باقی می باشد. فلسفه این که مالی مثلی را با دادن مثل باید جبران نمود این است که با پرداخت مثل مال بهتر می توان جبران خسارت نمود و بدین وسیله بهتر می توانیم وضع زیان دیده را به حالت پیشین در بیاوریم. ولی در جبران زیان بوسیله مثل مشکل این است که ممکن است برای مدتی مثل نایاب شود و یا هنگام پرداخت، مال مثلی از مالیت بیفتد؟ برخی از اساتید با استفاده از حکم ماده ۳۱۲ ق.م. درباره مسئولیت غاصب است گفته اند مفاد حکم درباره مسئولیت مدنی نیز اجرا می شود و به مالک باید قیمت حین الاداء پرداخت شود زیرا تعذر رد مثل سبب تبدیل تعهد به قیمت نمی شود (همان، ۱۶۵).

هرگاه مال در محل غصب مثلی و در محل تلف، قیمی باشد، غاصب باید رد مثل کند و مالک حق ندارد او را ملزم به پرداخت قیمت کند، زیرا هدف از الزام غاصب، جبران خسارت مالک است که با دادن مثل، محقق می شود. ولی اگر مال در محل غصب قیمی و در محل تلف مثلی باشد، اختیار دادن مثل یا قیمت با غاصب است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۰۷). منظور از عبارت مثل آن پیدا نشود این است که مال مغضوب در محل غصب و اطراف آن به نحوی که عادتاً بتوان از آنجا تهیه و به محل تأدیه منتقل کرد، به دست نیاید (صفایی، ۱۳۹۰: ۳۳).

لذا می توان نتیجه گرفت که اگر شخص مالی را غصب نموده و در هنگام اداء آن مال نایاب شود در این صورت غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد اگر چه قید حین الاداء خیلی کمتر از قیمت هنگام غصب باشد، ولی اگر مال از مالیت بیفتد باید آخرین قیمت آن به مال باخته پرداخت شود، بحثی که در اینجا مطرح است این است که در قانون فقط موارد مربوط به غصب صراحتاً بیان شده پس در خصوص سایر موارد تکالیف چیست؟ و در دیگر موارد ورود خسارت و تلف منفعت و عدم النفع، راه حل

قضیه چگونه است؟ یکی از اساتید حقوق بر این نظر است که: «از این جهت فرقی بین غصب با سایر اسباب مسئولیت و حکم به جبران خسارت وجود ندارد و مفاد ماده ۳۱۲ با وحدت ملاک در سایر موارد نیز جاری است؟» ترقی قیمت عرفه منفعت مسلم می باشد و آن را قابل جبران می دانند پس اگر قیمت مال مثلی هنگام غصب ۲۰ تومان باشد و در جریان غصب ۴۰ تومان و هنگام نایابی ۱۰ تومان باشد طبق نظر قانونگذار، غاصب باید ۱۰ تومان بدهد و بری الذمه شود در حالی که در این گونه موارد ترقی نرخ مال عرفه منفعت مسلم محسوب می شود، غاصب سبب عدم النفع مالک شده است و ما موارد مربوط به اتلاف و تسبیب را نباید با مواد غصب و وحدت ملاک بگیریم زیرا قیاس در این مورد برخلاف اصول تفسیر قضایی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ۸۲).

به نظر رسد نظر دوم صحیح تر می باشد چرا که این نظر با عدل و انصاف سازگاری بیشتری دارد و عدل و انصاف حکم می کند که در این گونه موارد عامل وارد کننده خسارت به بالاترین نرخ جبران ضرر و زیان محکوم و مجبور شود.

### نتیجه گیری

با بررسی نتایج بدست آمده از این تحقیق می توان اذعان داشت که فوت منافع ممکن الحصول در مقررات مختلف ضرر به شمار آمده که بر اساس قواعد فقهی و با توجه به قاعده لاضرر، و با استناد به اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری، خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول باید جبران گردد و رویه محاکم قضایی نیز بر جبران خسارت بوجود آمده می باشد.

خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول باید به طریقی جبران گردد که گویی اصلاً زیانی به بار نیامده است، باید در نظر داشت که جبران خسارت محقق تنها از طریق پرداخت پول به عنوان معادل آنچه فوت شده، همیشه ممکن نیست. چرا که اقداماتی که برای از بین بردن موقعیت زیانبار انجام می شود، در واقع ناظر به منبع ضرر است نه جبران خود آن، اما نباید پذیرفت که جبران ضرر و زیان وارده تنها، از

طریق دادن پول ممکن است. گاهی چون اعاده وضع به صورت قبلی خود میسر نیست ارزشی معادل آنچه فوت شده به دارایی متضرر افزوده می گردد. هدف از ایجاد مسئولیت مدنی این است که تا جایی که امکان دارد هیچ ضرر و زیانی جبران نشده باقی نماند، پس زمانی که امکان جبران خسارت به طرق دیگر در اعاده وضع متضرر به حالت سابقش امکان دارد نمی توان با دادن پول که راحت ترین شیوه است از عامل ورود ضرر رفع مسئولیت نمود. البته این شرط زمانی محقق می شود که رضایت طرفین در میان نباشد. اگر دو طرف به هر صورتی با یکدیگر در خصوص جبران خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول با یکدیگر توافق نمایند و حتی این توافق نیز ناشی از پرداخت پول باشد موردی ندارد و دادگاه نیز این مجوز را دارد که میزان زیان و نحوه جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین نماید. البته قاضی می تواند برای محاسبه خسارت ناشی از منافع از دست رفته ممکن الحصول، به اوضاع و احوال، وضع مالی، معلومات، توانایی ها و منشاء منافع توجه نماید و یا اینکه این امر را به کارشناس ارجاع دهد.

۳۵۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

#### منابع

- آشوری، محمد، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ویراست پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- امامی، سید حسن، (۱۳۹۴)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات اسلامی.
- بیات، فرهاد، (۱۳۹۴)، شرح جامع قانون مدنی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات ارشد.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۳)، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حیاتی، علی عباس، (۱۳۹۲)، آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- حائری شاه باغ، سید علی، (۱۳۲۴)، اصول آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات توحید.
- حسینی عاملی، سید جواد، (بی‌تا)، مفتاح الکرامه، جلد ۶، بیروت، دار التراث العربی، نشر دارالحیاء.
- خاتمی، فرید، (۱۳۷۸)، الزامات و تعهدات قراردادی، چاپ اول، تهران، نشر نور علم.
- درودیان، حسنعلی، (۱۳۸۵)، جزوه درس حقوق مدنی ۴، دوره کارشناسی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۹۵)، آثار قراردادها و تعهدات، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد.
- شیروبی، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارت قراردادی و تأخیر تأدیه، مجله مجتمع آموزشی قم، شماره ۹.
- صفایی، حسین، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

- طباطبایی، سید علی، (۱۴۰۴)، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، جلد ۱۲، قم، موسسه آل بیت (ع).
- عیسایی تفرشی، محمد، (۱۳۹۰)، تفویت منفعت مالک، ضابطه ای برای جبران خسارت ناشی از نقض حق اختراع در حقوق ایران و آمریکا، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۳.
- فرهادیان، موسی، (۱۳۷۹)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات عدل گستر.
- فقیه تخجیری، حسن، (۱۳۷۴)، دعوی خصوصی در دادگاه جزا، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۷)، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، الزامهای خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهل و یکم، تهران، نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کاظمی، محمود، (۱۳۸۰)، نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱)، قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، فصلنامه مفید، شماره ۳۳.
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۹۰)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات پایدار.

۳۵۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

- مقدم، الهام، (۱۳۹۴)، منافع ممکن الحصول و قطعی الحصول در حقوق ایران و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، قواعد فقهیه، جلد اول، قم، چاپ دار العلم.
- میرفتاح، عبدالفتاح مراغه‌ای، (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، جلد اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نائینی، محمد حسین، (۱۴۱۳)، منیه الطالب، جلد ۲، قم، موسسه النشر الاسلامیه.
- یاورآبادی، محمد، (۱۳۷۲)، مطالبه خسارت ناشی از عدم النفع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.